

■ **سمانه صادقی**

۱۵۸ سال پیش که نخستین گالری نقاشی در تهران گشایش یافت هیچ‌کس تصور نمی‌کرد روزی گرایش به گالری‌داری آنقدر در جامعه رونق یابد که در یک خیابان سه گالری دایر باشد. هر چند با وجود آنکه بیش از یک قرن از ورود این حرفه به کشور می‌گذرد و مشتاقان بسیاری هم دارد هنوز که هنوز است فرد متخصصی در این حرفه رشد نکرده و نتوانسته تأثیری در علاقه‌مندی جامعه به آثار هنری بگذارد. متأسفانه امروزه گالری‌داری به جای ارتقای فرهنگ و رشد هنر بیشتر به شغلی لوکس تبدیل شده که هر کسی با کمترین اطلاعات تخصصی هنر و شناخت کافی از جامعه اقدام به راه‌اندازی‌اش می‌کند به امید آنکه در کنار یک حرفه پسرزرق و برق و با پرستیژ در آمد کلانی به دست آورد. در میزگرد پیش رو به واکاوی علل افزایش گالری‌ها در شرایط رکود بازار فروش آثار هنری پرداخته‌ایم.

وضعیت خرید و فروش آثار هنری در سال‌های اخیر را چطور ارزیابی می‌کنید؟

محبوبی: باید بگویم که امروزه کسی کار نمی‌خرد. اغلب گالری‌دارها در فروش آثارشان مانده‌اند. حراج‌ها هم که بازی پولدارهاست به عنوان مثال به مناسبت روز جهانی زن نمایشگاهی از آثار ۱۰ خانم در گالری‌ام بر پا شد اما با تمام بروبیای این ۱۰ خانم یکی‌شان هم فروشی نداشت. بازار هنرمندان جوان تقریباً راکد است.

بانگیز: در میان همین چند گالری‌ام که می‌بینید از سه چهار تایشان باخبر هستم که امسال من هنرمند را می‌کنند و یکی یکدانه کار از من و دوستان دیگر هنرمندم برای راه‌اندازی نمایشگاهی امانت می‌گیرند. به‌شخصه تصورم این است که با این جوان‌ها همکاری کم‌چون آغاز فعالیتشان است و باید کمک کرد تا کار یاد بگیرند. اما نمایشگاه برگزار می‌شود و در پایان هم آثار ما را پس می‌آورند!

علت افزایش روزافزون گالری‌های نقاشی در سطح شهر به‌خصوص محدوده کریم‌خان و مطهری چیست. آیا بازار فروش آثار هنری رونق گرفته است؟

محبوبی: بله چندی است این منطقه گالری‌خیز شده و مرکزیت پیدا کرده و نزدیکی گالری‌ها سبب شده مخاطبان در یک روز بتوانند چند گالری را ببینند. ولی گشایش این تعداد گالری در حالی که اغلب گالری‌ها فروش ندارند و هر گالری در ماه ۸،۷ میلیون خرج دارد، عجیب است.

بانگیز: بله جدیداً اطراف منطقه کریم‌خان تعداد گالری‌ها بیشتر شده است، اما نه، فروش آثار بیشتر نشده فقط چون شغل با کلاس و شیک‌ی هست روز به روز به تعداد گالری‌ها افزوده می‌شود.

شما علت گشایش این گالری‌ها را در چه می‌دانید؟

محبوبی: چون همه فکر می‌کنند آثار هنری فروش دارد در حالی که نه، فروشی وجود ندارد. البته برای مدتی فروش خوب بود ولی مسئله اصلی این است که ما با از دیاد نقاش روبرو هستیم به‌خصوص درنسل جوان چه دختر و چه پسر فرقی ندارد.

بانگیز: ریسک، ۱۰ تا اثر یکی هم فروش نمی‌شود. فقط صدمه به آثار می‌زنند و پس می‌آورند. نمایشگاه اول هم به خاطر حضور اساتید و به نمایش در آمدن آثارشان استقبال می‌شود اما باقی نمایشگاه‌ها دریغ از یک بازدیدکننده. نمایشگاه اول هم خود اساتید با خانواده‌هایشان حضور پیدا می‌کنند. اما از روز بعد دیگر بازدیدکننده‌های نیست.

■ **فریدخت سجودی**

برخلاف تصور بسیاری که می‌پندارند عصر پهلوی دوران شکوفایی و ارج نهادن به آثار هنری است باید یادآور شد نخستین گالری نقاشی را ناصرالدین شاه در اواخر سلطنت خود بنا نهاد. ۱۵۸ سال پیش (۱۲۷۸ ه. ق.)، نخستین «نقاشخانه» و گالری نقاشی در تهران تأسیس شد. متن اعلان این مدرسه و نمایشگاه جهت بازدید عموم به نقل از «روزنامه دولت علیه ایران» شماره ۲۰، ۵۲۰، مورخ ۲۷ شوال ۱۲۷۸ بدین قرار است: «چون در روزنامه سابق قلمی شده بود که بعد از اتمام عمل نقاشخانه، به جهت اطلاع مردم اعلان جدید خواهد شد که هر کس خواسته باشد طفل خود را به نقاشخانه ببرد، نقاشخانه دولتی باز است و صنیع الملک روزهای شبیه را خود به تعلیم شاگردان خواهد پرداخت و سایر ايام شاگردان در همان نقاشخانه از روی برده‌های کار استاد و صورت‌ها و یاسمه‌های فرنگستان... به روش نقاشی و تحصیل این صنعت بدیع می‌پردازند و روز جمعه را که از ایام تعطیل ملت و دولت است، به جهت آمد و شد تماشاچیان قرار شده است که از نوکران درباری و سایر اصناف هم هر کس طالب تماشای نقاشخانه باشد، بیایند و تماشا داشته‌اند. به جهت اطلاع نظارین اعلان شد.» محل عمارت گالری «در باغ ارگ طرف غربی حیاط کوچک زرگرخانه که راهرو قصر ابيض بود واقع -طولش یکصد متر و عرضش ۱۲ متر- و برده‌های نقاشی قدیم و جدید از کارهای ایرانی و فرنگی که در انبارهای دولتی در شرف پوسیده بود زیب دیوارهایش کردند و بیست و پنج چهلچراغ دارای گل و برگ و میوه‌هایی از بلور الوان بر سسقفش آویختند و در سال‌های اخیر مجالس نوازندگی و سرور شبانه در آنجا تشکیل می‌شد.»*همچنین در سال ۱۲۹۶ ه.ق به دستور ناصرالدین شاه موزه قدیم که در داخل عمارت سلطنتی واقع بود تخریب و در همان سال موزه بسیار وسیعی مانند یکی از موزه‌های اروپایی به‌جای آن ساخته شد. اما علاقه به نگهداری آثار هنری و توجه به آن از سوی دولت به سال‌ها پیش از آن می‌رسد. در تاریخ آمده است که شاه سلطان حسین باوجوداین که اعتیاری نداشت اما به کتاب علاقه‌مند بود (در گذشته خلق آثار نقاشی به

گفت‌وگو

گفت‌وگو با رضا بانگیز



رضا بانگیز

بانگیز: آنطور که باید از هنر حمایت نمی‌شود. اما هستند در میان هنرمندان کسانی که توانایی و سواد هنری ندارند و هر چه که به ذهنشان می‌رسد را مثل فروشگاه‌های در قفسه می‌چینند و تصور می‌کنند هنرمند هستند! توقع هم دارند که دولت به آنها رسیدگی کند

ماقیایی هست که دست بخش خصوصی است. البته برخی از گالری‌دارهای ما هم در این کار دست دارند. هر چند به نظر من مثل همه دنیا، کار خرید آثار و برپایی نمایشگاه باید در دست بخش خصوصی باشد تا سرمایه‌دارها وارد این کار شوند و هنر رشد کند چراکه معتقدم خرید و فروش آثار هنری کار دولت نیست.

در تمام دنیا سرمایه‌داران خصوصی هستند که روی آثار هنرمندان سرمایه‌گذاری می‌کنند. آنها با نقاشان دو تا پنج سال قرارداد می‌بندند و براساس معروفیت هنرمند ماهانه مبلغی را به وی می‌دهند و در هر ماه دو تا سه کار را تحویل می‌گیرند.

در نتیجه تا پنج سال آثار تولیدی هنرمند متعلق به آن سرمایه‌گذار می‌شود و اوست که برایش نمایشگاه برپا و آثارش را معرفی کرده و می‌فروشد. در نهایت هم این هنرمند بعد از پنج سال معروف می‌شود و آثارش رشد می‌کند. مسئله این است که اغلب گالری‌داران ما تخصصی در حیطه گالری‌داری و سرمایه‌گذاری روی آثار هنری ندارند

به همین خاطر بازار فروش رونق چندانی ندارد.

محبوبی: البته برخی از گالری‌ها به خاطر ارتباطاتشان فروش خوبی دارند.

این به خاطر منفعتی است که گالری‌ها به دنبال آن هستند.

محبوبی: غیر از این باشد نمی‌شود. کسی دلش به حال کسی نسوخته است. ابتدا باید انگیزه مالی وجود داشته باشد.

اما این فروش فراگیر نیست به همین خاطر بازار فروش آثار هنری دچار افت است و عملاً فروشی صورت نمی‌گیرد چراکه بازار یابی برای درک ارزش آثار هنری و فروش شان وجود ندارد.

محبوبی: البته به عقیده من این نفروختن‌ها به خاطر بالا رفتن تعداد آرتیست‌هاست.

تعداد آرتیست همه جای دنیا بسیار است و این مسئله محدود به ایران نیست.

محبوبی: نه‌هیچ جا مثل ایران آنقدر آرتیست ندارد. اینجا تعداد آرتیست‌ها غیرعادی است. برخی آرتیست‌ها آثارشان خوب است.

تعدادشان بسیار اندک است اما در مقابل عده بسیاری هستند که آثارشان واقعاً حرفی برای گفتن ندارد.

این افراد یکی دو سال فعالیت کرده و خیلی هم هزینه می‌کنند اما همه‌اش کبی‌کارتی است. در نتیجه بخش خصوصی باید وارد کار شود تا

مردم عادی خریداری نمی‌کنند به همین خاطر بازار ارزان قیمت اغلب به فروش می‌رسند اما از طرفی بازار خرید آثار هنرمندان پیشکسوت و به قولی رو به موت و بیمار مدتی است رونق گرفته و اغلب سرمایه‌گذاری روی اینگونه آثار صورت می‌گیرد!

اگر ان‌های دولتی چقدر اقدام به خرید آثار هنری می‌کنند؟

محبوبی: می‌دانید که ابتدا یک درصد بودجه قرار بود صرف حمایت از هنر شود که بعد به نیم درصد کاهش یافت. آخر هم به تصویب نرسید. هر چند وزیر میل دارد

این کار انجام شود تا امکانی برای جوانان هنرمند باشد ولی کافی نیست. اختصاص بخشی از بودجه دولت برای حمایت از هنر حداقل کاری است که در تمام دنیا برای هنرمندان انجام می‌شود. تمام کشورها در دیگر نقاط دنیا خانه هنر دارند که این مراکز بسیار هم فعال هستند. چون هنر در دیگر کشورها برای دولت بازدهی دارد. حتی از صد هنرمند جوان پنج نفر هم آثارشان در این مراکز خریداری شده معروف شوند، از نظر فرهنگی برای کشورشان ارزشمند است.

بانگیز: بله آنطور که باید از هنر حمایت نمی‌شود اما هستند در میان هنرمندان کسانی که توانایی و سواد هنری ندارند و هر چه که به ذهنشان می‌رسد را مثل فروشگاه‌های در قفسه می‌چینند و تصور می‌کنند هنرمند هستند! توقع هم دارند که دولت به آنها رسیدگی کند، هنرمند باید بدون چشمداشتت کارش را انجام دهد.

این نفروختن‌ها به خاطر بازار یابی غلط گالری‌داران نیست؟

محبوبی: روی هم رفته همه انتظار دارند که وضعیت درست شود. هر چند در بحث بازار یابی گالری‌دارهای ما هم کم‌کاری‌هایی دارند.

این عدم استقبال از خرید آثار هنری به خاطر مفهوم آثار نیست که قربانی با فرهنگ جامعه ندارد.

نه هنرمندان ما خیلی هم خوب کار می‌کنند...

اما اغلب آثار هنری را مجموعه‌داران یا خود گالری‌داران خریداری می‌کنند، در واقع جامعه نقش چندانی در خرید آثار هنری ندارد؟

محبوبی: فروش کم آثار هنری به خاطر آن است که بازار اشباع شده، آثار از یک میلیون بیشتر را



محبوبی: فروش کم آثار هنری به خاطر آن است که بازار اشباع شده، آثار از یک میلیون بیشتر را از یک میلیون بیشتر تا مردم عادی خریداری نمی‌کنند به همین خاطر آثار ارزان قیمت اغلب به فروش می‌رسند

توانند روی این بخش کار کند.

به نظر تان در پس آثار امروز هنرمندان چه میزان تفکر وجود دارد؟

محبوبی: همه جور کار وجود دارد. اما در نمایشگاه سال گذشته فرهنگسرای صبا آثاری دیدم که به‌نظم فوق‌العاده بودند ولی این آثار باید در موزه‌ها نگهداری شوند نه در منازل. اثر هنری هم کالایی است که باید به فروش برسد. اما چون ما از گذشته فرهنگ کف را داریم مردم اگر ۲ هزار تومان پول داشته باشند هزار تومانش را فرش می‌خریدند که اگر به پول احتیاج پیدا کردند با فروش آن بتوانند به منفعتی برسند. حال اگر از من بپاصد تومان تابلو بخرند در زمان احتیاج چه کسی از آنها اثر هنری را خواهد خرید؟! به همین دلیل برای سرمایه‌گذاری کسی سمت آثار هنری نمی‌رود. فرهنگ دیوار ما باید درست شود، خوشبختانه این فرهنگ با اجرای طرح‌هایی چون نگارخانه‌ای به وسعت یک شهر به بتوانند به منفعتی برسند. حال اگر از من بپاصد تومان تابلو بخرند در زمان احتیاج چه کسی از آنها اثر هنری را خواهد خرید؟! به همین دلیل برای سرمایه‌گذاری کسی سمت آثار هنری نمی‌رود. فرهنگ دیوار ما باید درست شود، خوشبختانه این فرهنگ با اجرای طرح‌هایی چون نگارخانه‌ای به وسعت یک شهر به بتوانند به منفعتی برسند. حال اگر از من بپاصد تومان تابلو بخرند در زمان احتیاج چه کسی از آنها اثر هنری را خواهد خرید؟! به همین دلیل برای سرمایه‌گذاری کسی سمت آثار هنری نمی‌رود. فرهنگ دیوار ما باید درست شود، خوشبختانه این فرهنگ با اجرای طرح‌هایی چون نگارخانه‌ای به وسعت یک شهر در بالا بردن فرهنگ دیداری جامعه بسیار موثر است اما نباید کتمان کرد که نگاه هنرمند امروز ما هم بسیار وارداتی شده، علت هم این است که

اینان به جای تفکر و خلق ایده جدید متأسفانه به دنبال کپی‌برداری از آثار هنرمندان خارجی هستند که تازه اسم و رسم پیدا کرده‌اند. اغلب هم به جای دانش و تمرین لازم، زست و ادای هنرمند بودن را دارند. بارها اتفاق افتاده در جلساتی که برای سنجش آثار علاقه‌مندان به عضویت در انجمن هنرمندان دعوت شده‌ام یا آثاری رویه‌رو هستم که به قولی سر و ته ندارند اما صاحب اثر شرح می‌دهد که آنچه در تابلو می‌بینید لیلی و مجنون است و ما هر چه نگاه می‌کنیم چنین چیزی را در تابلو نمی‌بینیم. مسئله این است که هنرمند شدن نوعی پز شده و تصور می‌شود هر قدر مخاطب متوجه منظور اثر نشود خلاق اثر هنرمندتر است. همه به دنبال تیپ هنری ساختن هستند اما حاصل کار هنری‌شان صفر است!

آیا به این خاطر نیست که چون این آثار جزو کالاهای لوکس هستند کسی سراغ خریدشان نمی‌رود؟

محبوبی: به‌نظم اگر فرهنگ دیوار داشته باشیم مسئله حل می‌شود. شما ببینید به خاطر وجود فرهنگ کف چقدر فرش خریداری می‌شود. فرد فرش را به عنوان نیاز زندگی‌اش خریداری می‌کند و در صورت احتیاج مالی آن را به فروش می‌رساند. چون فرهنگ کف در جامعه جا افتاده است ولی این فرهنگ در هنرهای تجسمی شکل نگرفته و از ابتدا هم به اشتباه جا افتاده است و تا بخواهد شکل بگیرد

بسیار زمان می‌برد. نتیجتاً با فرهنگ‌سازی دو، سه نسل طول می‌کشد تا این فرهنگ در میان مردم شکل بگیرد.

بانگیز: ببینید در ک آثار هنری و هزینه برای آن هم سواد هنری می‌خواهد اما متأسفانه در کشور تمایل بسیاری به آثاری نظیر باغ اس دارند که باید روی این مسئله کار شود تا با درک آثار هنری لزوم سرمایه‌گذاری بر روی هنر در جامعه ارتقا پیدا کند.

نامی هم از شعاع السلطنه پسر مظفرالدین شاه برده شده است.

تا اینکه در اوایل حکومت احمدشاه، میزان کتب نفیس و خطی و تابلوهای نقاشی در بازار به طور محسوسی بالا رفت و بالاخره توجه نظمیه را نیز جلب کرد. عبدالله بهرامی در خاطرات خود شرحی کامل از چگونگی افساسی این سرقت به دست می‌دهد. ظاهراً تصادفی نظمیه متوجه وجود کتاب بالزلی از نزد میرزا یعقوب کلیمی می‌شود که قصد فروش آن را داشته، پس از دستگیری میرزا یعقوب کتاب مذکور که یک جلد خمسه نظامی با خط و تصاویر بسیار ارزشمند بوده از خانه‌وی کشف شد.

میرزا در بازجویی مجبور به معرفی لسان‌الدوله می‌شود. انتشار خبر دستگیری مدیر کتابخانه به اتهام سرقت و فروش سبب شد تمام کسانی که از این قبیل کتاب‌ها در اختیار داشتند آنها را مخفی کنند. در بازجویی‌هایز «لسان‌الدوله» اعتراف کرد که کتاب‌ها را به وسیله دو برادر به نام اسکندر خان و آرشاک‌خان کرپانس به فروش رسانده و آنها نیز احتمالاً کتاب‌ها را برای فروش به خارج منتقل کرده‌اند. به هر صورت در تفتیش خانه آرشاک‌خان

سیزده جلد کتاب نفیس و تصاویر نقاشی اصل کشف شد ولی آن مقدار دیگر که به خارج (امریکا) منتقل گشته بود هرگز به ایران برگشت و تنها کتاب‌هایی که در خانه «لسان‌الدوله» در ابتدا پیدا شد پس از ممنهور شدن به مهری با رقم «کتب اکتشافی و مسروقه از منزل لسان‌الدوله» دوباره به کتابخانه عسودت داده شد. در حالی‌نیمی از این گنجینه سرقت شده که می‌توانست شستوانه محکمی برای هنر ایران باشد هرگز به دست نیامد. پس از آن مدیریت کتابخانه سلطنتی به شیخ‌المشایخ امیر معزی و اعصام‌الملک (پدر پروین اعتصامی) سپرده‌و در همین دوران فهرست دقیقی از آثار موجود در این کتابخانه تهیه می‌شود. پس از آن درهای کتابخانه سلطنتی ایران برای همیشه بسته‌شد

■ **زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه**



بر خلاف تصور بسیاری که می‌پندارند عصر پهلوی دوران شکوفایی و ارج نهادن به آثار هنری است باید یادآور شد نخستین گالری نقاشی را ناصرالدین شاه در اواخر سلطنت خود بنا نهاد. ۱۵۸ سال پیش (۱۲۷۸ ه. ق.) ، نخستین «نقاشخانه» و گالری نقاشی در تهران تأسیس شد

مرکز خریداری شد. بدین ترتیب کتابخانه سیر تکاملی خود را در این مقطع زمانی در پیش گرفت. اما با به سلطنت رسیدن «مظفرالدین شاه» و به‌واسطه اغتشاشات داخلی و هرج و مرج در ادارات دولتی، امور مربوط به کتابخانه کم‌کم به فراموشی سپرده شد تا جایی که محتویات این گنجینه بالرزش به آسانی در معرض تجارت و چپاول قرار گرفت.

«کتابخانه سلطنتی» در این دوره نمی‌دانست چه چیزی در آن گنجینه وجود دارد. تمامی آثار کتابخانه دارای مهر سلطنتی بود ولی این نمی‌توانست منعی برای خروج کتاب‌ها باشد به همین دلیل تا زمان کشف ماجرا تعداد بسیار زیادی از نسخ خطی و تابلوهای نقاشی نه تنها از کتابخانه بلکه از مملکت هم خارج شده بود. البته نمی‌توان گفت که لسان‌الدوله به تنهایی دست به این اقدام زده باشد، در برخی منابع

بخشید

این بذل و بخشش‌ها توجه ناصرالدین میرزا، ولیعهد را به آشفتگی موجود در کتابخانه‌ها جلب کرد و به همین دلیل از پادشاه خواست تا کتابخانه به او واگذار شود. پس از فوت «محمدشاه» و به سلطنت رسیدن «ناصرالدین میرزا» کتابخانه به نام «کتابخانه سلطنتی» یا «کتابخانه مبارک موزه سرکاری» تغییر نام داده و روز به روز توسعه بیشتری پیدا کرد و کتاب‌های بسیاری جهت نگهداری در این

سلطنتی» تأسیس شد.

کتابخانه شاهنشاهی کار خود را با گردآوری کتب کتابخانه‌های قدیمی ایران و خصوصاً نسخه‌های باقیمانده دوران صفویه و زنده و آنچه در خزانه‌نادرشاه فرصت پرداختن به این موضوع را نیافت. بعد از نادرشاه و کریم‌خان زند در اوایل قرن سیزدهم ه.ق، بنابه فرمان فتحعلی شاه قاجار و به منظور جمع‌آوری و حفظ آثار خطی و نقاشی که بسیاری مورد توجه قرار داشت، در محل کاخ گلستان و در دالان موزه مذکور «کتابخانه